

ویترین

خانه‌ای با آجرهای کوچک

کارگردان: کونیو کاتو

کشور: ژاپن — ۲۰۰۸



پیرمردی در خانه‌ای وسط آب زندگی می‌کند. روزی او از خواب بیدار می‌شود و می‌بیند که آب بالا آمده و وارد خانه‌اش شده. این اتفاق بارها از اول زندگی‌اش برایش افتاده است اما او همیشه با آن مقابله کرده. هر وقت که آب بالا می‌آید دست به کار می‌شود و روی سقف خانه‌اش خانه دیگری می‌سازد و تاکنون چندین طبقه این ساختمان بالا آمده است. او عاشق پپ است و کلکسیونِ از پپ دارد. در آن روز پپ او درون آب می‌افتد و پایین می‌رود. او برای دوباره به دست آوردن پپ لباس غواصی می‌پوشد و به زیر آب می‌رود. برای پیدا کردن پپ مجبور است تا چند طبقه پایین برود. در هر طبقه یادخاطرانش باخانواده می‌افتد...

۲۵

۲۵ راه برای ترک سیگار

کارگردان: بیل پلیمپتون

کشور: آمریکا- ۱۹۸۹



بیل پلیمپتون برای ترک کردن سیگار ۲۵ راه را پیشنهاد می‌کند. با استفاده از این روش‌ها می‌توانید سیگار را ترک کنید اما خب پیروی از این راه‌ها تقریباً غیرممکن است.

۲۵

نیمه‌بری

کارگردان: بیتز سان

کشور: آمریکا — ۲۰۰۹



نیمه‌بری یک انیمیشن فانتزی است از شرکت پیکسار. این بار ابرهایی را می‌بینید که برای انسان‌ها کار می‌کنند. آنها اشیاء و نوزادانی را تولید می‌کنند و به وسیله پرنده‌ها به دست انسان‌ها می‌رسانند. در این میان ابری وجود دارد که چیزهایی که درست می‌کند خطر دارد. پرنده‌ای که برای او کار می‌کند همیشه از چیزهایی که باید به زمین برود ضربه می‌بیند. روزی او آن ابر را ترک می‌کند و ابر از ناراحتی شروع به بارش می‌کند. اما بعد از اینکه متوجه می‌شود پرنده چرا او را ترک کرده خوشحال می‌شود.

۲۵

هنر سقوط

کارگردان: تومک باگینزکی

کشور: لهستان- ۲۰۰۴



یک مرد نظامی برای ساختن یک انیمیشن که مردی است در حال رقصیدن از اجساد واقعی استفاده می‌کند. او برای این کار سربازها را از ارتفاع بلندی به پایین می‌اندازد و از جسد آنها عکس می‌گیرد. انقدر ایسن کار را می‌کند تا فریم‌های حرکت‌هایش برای رقص کامل شود.

۲۵

رهبر ارکستر

کارگردان: گزام اوت

کشور: مجارستان- ۲۰۰۴



یک خروس در اتاق گرم در حال آماده شدن است. او لباس رهبرهای ارکستر بر تن دارد و دارد صدایش را صاف می‌کند تا برای اجرا آماده شود. بعد از اینکه گرمش تمام شد او روی صحنه می‌رود. اما آن صحنه برخلاف تصور شماست...

انیمیشن



در انیمیشن اسخیزن فرانسوی یک ایده به ساده‌ترین شکل آن در جریان است؛ ایده‌ای سهل که در عین حال

بسیار متنوع است. مردی از پنجره به بیرون نگاه می‌کند و یک شهاب‌سنگ با او برخورد می‌کند و بعد از برخورد، با خود ۹۰ سانت فاصله می‌گیرد و حالا باید ترتیبی بگذارد تا برای ارتباط شخصیت با جهان بیرون در فاصله ۹۰ سانتی آن باشد. عدم ارتباط شخصیت با جهان بیرون واقع، اصلی‌ترین و یک‌خطی‌ترین ایده این اثر است.

غافلگیری از همان لحظه آغاز می‌شود و همدات‌پنداری با شخصیت اصلی قصه شکل می‌گیرد. تاثیر نظام کیهانی بر رابطه پیرامونش ایده‌ای ناب است که به ذهن جرمی کلپین سازنده اثر رسیده است. شاید عجین شدن این ایده که یک روز آدمی کنار پنجره شهابی ببیند و تغییر در زندگی‌اش حاصل شود مهم باشد اما مهم‌تر از آن قرار دادن یک ایده اجرایی مناسب است: ۹۰ سانت فاصله با اجسام. این دفعه مخاطب نه به واسطه بازسازی طبیعت که تماماً به لطف ایده جذب می‌شود. اتفاق مهم دیگر در این آثار، استقلال فیلمسازان و مستقل بودن آنهاست.

چه saja ایده ظریف و نو باعث می‌شود آثار آنان هر چند کم‌هزینه و با یک گروه کوچک ساخته شده اما در کنار دیگر کمپانی‌ها قرار بگیرد و به مدد پخته بودن و ذهنیتی قوی‌تر داشتن جوازی بیشتر از آن خود کنند. این آثار به فردیت فیلمسازان کمک می‌کند و حمایت از این نوع آثار، نسل مستقل کارگردانی را به وجود می‌آورد که در پی تعادل زیبایی‌شناسی بصری و پویایی ایده هستند. ایده‌پرداز به عنوان یک مکانیسم خشک و فرمول‌وار ارائه نمی‌شود و در ترکیب با زیبایی‌شناسی تبدیل به اثری بی‌پدیل می‌شود و فانتزی را به وجود می‌آورد به این ترتیب فانتزی در فیلم انیمیشن به تماشاکر امکان کاتارسیس (تخلیه روانی) می‌دهد و او را برای مدتی از واقعیت‌های ناخوشایند دور می‌کند تا او فرصت بیابد از طریق خیالپردازی و تماشای خیالپردازی، برخی از تنش‌های خود را که از استرس‌های جهان واقعی است، بکاهد و به کودک خود اجازه شیطنت و خلاقیت دهد. لاکان در مورد روانشناسی تصویر (سینما)در توصیف تخیل آن چنان که رویکرد پست‌مدرن به آن استناد می‌کند آن را متوجه و همانند مرحله‌ای در رشد می‌یابد که فرد، خود را با تصویر خود، همسان می‌بیند.در نتیجه می‌توان گفت که در این عصر متن ساختار منظم خود را د ست داده و در این آثار معنا به معنای دیگری تبدیل شده است و بی‌ظلفی در معنی نوعی ساختارشکنی محسوب می‌شود. متن تنها به یک ایده پسنده می‌کند و سعی در پر و بال دادن به آن و اجرایی کردن ذهنیت و تبدیل آن به عینیت دارد. نوع خاص ایده‌پردازی و سر در گمی تماشاکر تا انتهای اثر دلیلی بر متمایز بودن این دسته از آثار است. منتظر بودن تماشاکر و دخیل کردن او با قصه و همگام شدن با ماجرا تمهیدی است که مخاطب را همراه با خود می‌آورد. بسیاری اوقات پلان آخر حلقه مفقوده قصه را می‌شگاید و از آن پس درچپه‌ای به روی مخاطب باز می‌کند.تحلیل این نوع انیمیشن‌ها مانایی است که به واسطه نوآوری فراهم می‌شود. ذهن مخاطب یک ذهن نوگراست و هر چند به آن تفکری جدید ارائه دهی به مذاقش خوش می‌آید. انیمیشن‌های کوتاه به سوی موجزگرایی و روان‌گویی می‌روند و از ترکیب فرم به فراخور ایده به نتایج دست پیدا می‌کنند.

یک فانتزی منجر می‌شود نه به یک فاجعه. اساس این ژانر بر پایه خلاقیت ذهنی شکل می‌گیرد؛ برای همین به کار بستن اینن ایده‌ها نیازمند اجرای تمهیدات و تکنیک‌هایی است. این تکنیک‌ها چه از حیث متن و چه از جانب تصویرسازی و فضاسازی و دکوپاژ است. پی بردن به درون و اینکه چگونه یک ایده می‌تواند جنبه بیرونی پیدا کند، از مهم‌ترین مسائل برای خلق یک اثر است. فهم ضرورت ساخت اثر و اینکه چرا مایل به ساخت یک انیمیشن با آن ویژگی‌ها هستیم بسیار با اهمیت است. پیدا کردن دغدغه‌های ساخت و پی بردن به ناخودآگاه خالق برای خلق از کارهایی است که می‌تواند به روشن شدن مسیر یک انیمیشن کمک کند.

نکته مهم دیگر استقبال مخاطبین از این نوع آثار در جشنواره‌ها بوده است. زیرا این دست انیمیشن‌ها هنوز به دل مخاطب عام راه پیدا نکرده‌اند، اما در مقابل می‌بینم که نسل بزرگسال و حرفه‌ای، روی بسیار خوشی به این آثار نشان داده است. گمان می‌شود آثار ایده‌محور در راستای فهم دقیق روح انیمیشن است و نفس یک بازی کودکانه در آن در جریان است. تاثیر شگرفی که این دست آثار با نوآوری خود در ذهن می‌گذارند تاثیر مانایی است که به واسطه نوآوری فراهم می‌شود. ذهن مخاطب یک ذهن نوگراست و هر چند به آن تفکری جدید ارائه دهی به مذاقش خوش می‌آید. انیمیشن‌های کوتاه به سوی موجزگرایی و روان‌گویی می‌روند و از ترکیب فرم به فراخور ایده به نتایج دست پیدا می‌کنند.



یادداشت

قدرت ایده

محمدرضا علیمراد



اگر یک انیماتور باشید و به یک انیمیشن نگاه کنید قطعاً چیزهای بسیاری برای سنجنش کیفیت آن فیلم انیمیشن مد نظری می‌گیرید؛ اینکه چه تکنیکی برای ساخت آن استفاده شده است، پرداخت مجموع کار ضعیف است یا قوی، خوب صداگذاری شده یا خیر، آیا حرکت‌ها درست انجام شده، کارگردانی چگونه بوده و... و در میان همه اینها به ایده فیلمنامه هم توجه می‌کنید. اما اگر انیماتور نباشید قطعاً آن چیزی را که در همان لحظه می‌بینید مورد سنجنش خوبی یا بدی قرارمی‌دهید. اگر همان لحظه به دل‌تان بنشیند آن انیمیشن را خوب می‌دانید. مثلاً از دید یک مخاطب عام و ناآشنا به انیمیشن یا یک کودک، ابتدا جذابیت تصویری آن انیمیشن به چشم می‌آید. در روند فیلم او با موضوع یا داستان انیمیشن درگیر می‌شود. ممکن است با طولانی شدن روند قصه مخاطب خسته شود و همان لحظه از دیدن آن صرف نظر کند. او از یک انیمیشن ابتدا لذت می‌خواهد و دوست دارد زمانی را که برای دیدن آن صرف کرده است از دست‌رفته نشمارد. ابتدا برایش مهم نیست که آن انیمیشن چگونه ساخته شده است. اگر سری به سالن‌های جشنواره‌های انیمیشن زده باشید می‌بینید بینندگان حاضر در سالن سینما بیشتر از انیمیشن‌هایی استستقبال می‌کنند که ایده‌ای جذاب داشته باشد، یا آنها را روی صندلی میخکوب کند و بعد از اتمام فیلم حیرت‌زده باشند یا به طرز عجیبی به خنده بیفتند. ممکن است انیمیشنی ببینید که تا دقیقه آخر شما را جذب نکند، اما داستان‌پردازی و قدرت ایده آن ممکن است در ثانیه‌های آخر نظر شما را کاملاً برگرداند.



انیمیشن‌هایی که با تکنیک‌های عجیب و غریب ساخته شده‌اند تقریباً می‌توان گفت فقط مورد توجه و استقبال انیماتورها یا دست‌کم علاقه‌مندان شدید به انیمیشن قرار می‌گیرند. در انیمیشن‌های سینمایی اصولاً ایده‌ای خارق‌العاده وجود ندارد. آنها یک داستان را در روندی کاملاً طبیعی به تصویر می‌کشند و شما فقط با اتفاقات که در فیلم می‌افتد سرگرم می‌شوید. اما بیشتر انیمیشن‌های کوتاه که اکران نمی‌شوند ایده‌محور هستند؛ انیمیشن‌هایی در حدود ۱۰ دقیقه موضوعی را پیش می‌کشند که شما اصلاً آن را تصور نمی‌کردید. یا ممکن است هیچ وکت فکر نمی‌کردید که موضوعی را این‌گونه ببینید.

در انیمیشن این اجازه وجود دارد که هر گونه که می‌خواهید کار کنید و هر چیزی که در ذهن دارید به تصویر بکشید. هیچ حدی وجود ندارد و اصلاً نیاز نیست منطقی فیلم بسازید. طنز قوی‌ترین روشی است که حتی می‌شود به راحتی سخت‌ترین آدم‌ها را با آن نرم کرد. انیمیشن‌های ایده‌محور اصولاً با موضوعی طنز به انتقاد و اعتراض از جامعه مدنی یا سیاسی می‌پردازند. خلاقیت داستان‌پرداز اهمیت ویژه‌ای دارد تا بتواند موضوعی خالص و شل‌بال‌شده خيالپرداز بودن در فیلمنامه‌نویسی انیمیشن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ یافتن موضوعات خیالی و سوررئال که ممکن است مثل جرقه‌ای به ذهن نویسنده برسد. منهای ایده موضوعی، ایده اجرای کار در انیمیشن هم اهمیت دارد. ممکن است انیمیشنی ببینید که اصلاً موضوعی عجیب نداشته باشد، اما ایده اجرای کار آن انقدر جذاب باشد که تاثیر خود را بگذارد. دو هفته آینده در صفحه انیمیشن با جرمی کلپین کارگردان و نویسنده انیمیشن اسخیزن و همین‌طور پاتریشیا پلازا نویسنده فیلمنامه و دستیار کارگردان انیمیشن کوتاه استخدام مصاحبه‌ای در مورد ایده در انیمیشن و انیمیشن‌هایی که ایده‌محور هستند، خواهیم داشت.



اسخیزن ساخت کشور فرانسه است و با ایده فوق‌العاده‌اش توانسته ده‌ها جایزه انیمیشن در جشنواره‌های مختلف دریافت کند. این انیمیشن موفقیتش را مدیون ایده و خاص داستانش است. اجرای کار کاملاً ساده است طوری که کاملاً مناسب داستان فیلم است. این انیمیشن با تکنیک سه‌بعدی و با کامپیوتر ساخته شده است.انیمیشن استخدام به کارگردانی سانیاگو بو گراسو از کشور آرژانتین است. این انیمیشن از آن دسته فیلم‌هایی است که یک ایده خارق‌العاده دارد و این ایده عجیب و غریب با یک فرم ساده به انیمیشن تبدیل شده.

پاتریشیا گابریل پلازا نویسنده فیلمنامه این انیمیشن هفت دقیقه‌ای است. او این ایده را جوری به تصویر کشیده است که شما تا پلان پایانی فیلم سرگرم می‌مانید. اما در پایان احساس خوبی می‌کنید و ممکن است باورتان نشود که با همچنین داستانی روبرو شده‌اید.